

## کنشگری امنیتی چین و هند در منطقه جنوب آسیا

مهدی کریمی<sup>\*۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱۶

### چکیده

جنوب آسیا به سبب یکسری عوامل اقتصادی، استراتژیک، سیاسی و جمعیتی از اهمیت زیادی در ساختار اقتصادی-سیاسی جهان برخوردار است. این منطقه منعکس کننده مجموعه‌ای از پدیده‌های متعارض است و با انواع مختلفی از تهدیدات امنیتی روبه‌رو است. هند بزرگ‌ترین قدرت نظامی - اقتصادی این منطقه است و چین نیز به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی- اقتصادی جهان همجوار این منطقه است. اهمیت چندبعدی این منطقه به قدری گسترده است که دو کشور هند و چین پیوسته می‌کوشند با استفاده از تمام ابزارها و فرصت‌های موجود در جنوب آسیا به برتری دست یابند. در این راستا این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای-اسنادی گردآوری اطلاعات تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که چگونه چین و هند به یک کنشگر امنیتی در جنوب آسیا تبدیل شده‌اند؟. در راستای پاسخ به این سؤال، اسناد سیاست خارجی و امنیتی-نظامی چین و هند بررسی و سپس اهداف و منافع این دو کشور در این منطقه تبیین شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد مجموعه‌ای از منافع استراتژیک، اقتصادی و امنیتی-نظامی، چین و هند را به یک کنشگر امنیتی در جنوب آسیا تبدیل کرده‌اند و هر از این کشورها می‌کوشند نظم منطقه‌ای در جنوب آسیا را بر اساس منافع خود شکل دهند.

**واژگان کلیدی:** هند، چین، منطقه جنوب آسیا، کنشگری امنیتی

۱۲۵



سیاست جهانی

10.22124/ijss.2022.22767.3058

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱، صفحات: ۱۵۳-۱۲۵ (۱۲۵)

۱. استادیار مرکز اسناد فرهنگی آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ تهران.

\* نویسنده مسئول: M.karimi@ihcs.ac.ir

### مقدمه

جنوب آسیا به عنوان یکی از مناطق جغرافیایی جهان به سبب یکسری عوامل اقتصادی، راهبردی، سیاسی و جمعیتی از اهمیت فراوانی در ساختار اقتصادی و سیاسی جهانی برخوردار است. این منطقه منعکس کننده مجموعه‌ای از پدیده‌های متعارض است و با انواع مختلفی از تهدیدات امنیتی کلاسیک و نو روبه‌رو است. هند بزرگ‌ترین قدرت نظامی و اقتصادی این منطقه است و چین نیز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی و اقتصادی جهان هم‌جوار این منطقه جغرافیایی است. پس از جنگ جهانی دوم، چین و هند همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در این منطقه داشته‌اند و کم و کیف روابط دو کشور و ترتیبات امنیتی دهلی نو و پکن تعیین‌کننده شرایط منطقه جنوب آسیا است و به باور برخی اندیشمندان به نظر می‌رسد حداقل در کوتاه مدت این روند تداوم داشته باشد و بر سرنوشت کشورهای این منطقه نیز تأثیرگذار باشد. این منطقه متشکل از هشت کشور افغانستان، بنگلادش، بوتان، هند، مالدیو، نپال، پاکستان و سری‌لانکا است و بر اساس آمارهای بانک جهانی در سال ۲۰۲۰ میلادی جمعیتی بالغ بر ۱.۸۶۰ میلیون نفر را در خود جای داده است. همچنین، این منطقه جغرافیایی به سبب آن که بیش از ۳.۳۹ تریلیون دلار از تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص داده است، به یکی از بازارهای جذاب برای اقتصاد جهانی تبدیل شده است.

اهمیت چندبعدی این منطقه به قدری گسترده است که دو کشور هند - به عنوان یک کشور منطقه‌ای - و چین - به عنوان یک کشور فرامنطقه‌ای - پیوسته می‌کوشند با استفاده از تمام ابزارها و فرصت‌های موجود در منطقه جنوب آسیا به برتری دست یابند. البته اهمیت اقتصادی و سیاسی منطقه جنوب آسیا اولویت کمتری نسبت به منطقه شرق آسیا برای چین دارد. اما شرایط برای هند متفاوت است و به نوعی این منطقه برای دهلی نو اهمیتی حیاتی دارد و یکی از مستقیم‌ترین تهدیدات بر علیه هند همیشه از جانب این منطقه و بالأخص پاکستان بوده است. این مسأله نشان می‌دهد که حیات هند در ارتباط نزدیک با معادلات سیاسی و امنیتی این منطقه قرار دارد. در نهایت، این مسائل باعث افزایش توجه آمریکا به این منطقه شده است، چرا که حضور یکی از رقبای جهانی بالقوه این کشور، یعنی چین، در منطقه جنوب آسیا می‌تواند در بلندمدت تهدیدی بر

علیه منافع ملی ایالات متحده باشد. مجموعه این عوامل از نظر سیاست منطقه‌ای و جهانی توجه طیف متنوعی از محققان و سیاست‌گذاران را به خود جلب نموده و این منطقه را به حوزه‌ای تبدیل کرده است که شایسته توجه و بررسی بیشتر است.

بر این اساس، در این پژوهش تلاش خواهد شد چگونگی تبدیل شدن چین و هند به یک کنشگر امنیتی در جنوب آسیا تبیین شود. در این راستا این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری اطلاعات تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که «چگونه چین و هند به یک کنشگر امنیتی در جنوب آسیا تبدیل شده‌اند؟». در راستای پاسخ به این سؤال اسناد سیاست خارجی و امنیتی-نظامی چین و هند بررسی و سپس اهداف و منافع این دو کشور در این منطقه تبیین خواهد شد. مفروض اصلی این مقاله نیز عبارت است از اینکه «مجموعه‌ای از منافع استراتژیک، اقتصادی و امنیتی-نظامی، چین و هند را به یک کنشگر امنیتی در جنوب آسیا تبدیل کرده‌اند».

#### ۱. پیشینه پژوهش

در ادبیات روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک، پژوهش‌های زیادی در زمینه اهداف و منافع چین و هند در منطقه جنوب آسیا صورت گرفته است. اما این پژوهش‌ها کمتر به این مسأله پرداخته‌اند که چگونه چین و هند به یک کنشگر امنیتی در جنوب آسیا تبدیل شده‌اند. این مسأله در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. بعد دوم نوآوری این پژوهش به بررسی رقابت هند و چین در منطقه جنوب آسیا از منظر امنیتی‌سازی برمی‌گردد. این پژوهش نشان می‌دهد که رقابت این دو کشور در این منطقه حالتی امنیتی به خود گرفته است. در ادامه به چند مورد از اخیرترین و مهم‌ترین آثار در این حوزه اشاره می‌شود.

مانژیت اس. پاردسی (2021) در مقاله‌ای تحت عنوان "استراتژی چینی هند در دوره مؤدی در مدیریت رقابت نامتقارن" عنوان می‌کند که استراتژی هند در قبال چین در دوره مؤدی بایستی با رویکرد قدرت در حال ظهور در آسیا درک شود. در نتیجه، هند در دوره مؤدی استراتژی ترکیبی در برابر رقیب نامتقارن خود یعنی چین اتخاذ کرده است. این استراتژی شامل همکاری‌های بانکی در سطوح چندجانبه، رقابت در سطح

منطقه‌ای، مقابله با طرح‌های ابتکاری یکجانبه چین (مانند ابتکار عمل کمربند و جاده) و بازدارندگی (در همیالیا و اقیانوس هند) است. در ادامه این مقاله بحث می‌کند که در کنار حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت، هند به دنبال جلوگیری از هژمونی چین در آسیای چندقطبی است. البته بایستی ذکر کرد که هند از نظر اقتصادی فاقد یک استراتژی اثبات و موفق در قبال چین است و بنابراین پاسخ کلی هند چالشی دائمی برای دیپلماسی این کشور است.

ساندپ سینگ و باوا سینگ (2019) در مقاله‌ای تحت عنوان "ژئوپلیتیک بنادر: فاکتور ایران در استراتژی موازنه‌سازی تقابلی در برابر محور چینی-پاکستانی"، نقش ایران در محاسبات سیاست خارجی هند در قبال محور چینی-پاکستانی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این مقاله ادعا می‌کند که با توجه به ظهور مجدد رقابت‌های ژئوپلیتیکی پس از جنگ سرد، اتصال منطقه‌ای از طریق بنادر اهمیتی اساسی در ترتیبات یکجانبه و چندجانبه دارد. در این میان، هند با توجه به فقدان اتصال جغرافیایی نتوانسته است علائق ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی خود را محقق سازد. بر همین اساس است که بند چابهار ایران مورد توجه هند قرار گرفته است. این مقاله عنوان می‌کند که بند چابهار تنها گزینه پیش روی هند برای تحقق بخشی به اتصال منطقه‌ای و نهایتاً دستیابی به منافع هند در دوران پس از جنگ سرد است.

وینای کاورا (2018) در مقاله‌ای تحت عنوان "سیاست خارجی چین در جنوب آسیا در دوره شی جین پینگ" عنوان می‌کند که سیاست چین در جنوب آسیا ترکیبی از روابط منحصر به فرد دوجانبه بوده است که با فرصت‌های اقتصادی، اختلافات ارضی، چالش‌های امنیتی، مهار قدرت هند و مقاومت در برابر نفوذ آمریکا مشخص است. چین با تقویت توانایی‌های استراتژیک و نظامی پاکستان، نفوذ و قدرت هند را مهار می‌کند. در عین حفظ اتحاد سنتی با پاکستان، چین بر تقویت روابط با بنگلادش، نپال، بوتان و سریلانکا نیز تلاش می‌کند. این مقاله بحث می‌کند که تشدید تهدید منافع هند توسط چین، با شکاف رو به رشد بین هند و چین از نظر قابلیت‌های استراتژیک همراه شده است که پیامدهای جدی برای امنیت ملی هند دارد.

سان یان و هاجلند هانا (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان "چین و مدیریت بحران در جنوب آسیا" با اتخاذ رویکرد علی روند نقش‌آفرینی چین در بحران هند-پاکستان را با نگاهی توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار داده‌اند. این مقاله بحث می‌کند که موضع به ظاهر بیطرفانه چین، غریزه ژئواستراتژیک دیرینه پکن را برای حمایت و حفاظت از پاکستان - که نقطه اتکای چین در استراتژی متعادل‌سازی در قبال هند است - را نه نفی کرده و نه پنهان می‌کند. با این وجود پکن تلاش کرده است تا با مشارکت به‌عنوان طرف سوم و از طریق دیپلماسی درصدد ایجاد صلح در روابط هند و پاکستان باشد.

تی. وی. پائول (2019) در مقاله‌ای تحت عنوان "زمانی که موازنه قدرت با جهانی شدن تلاقی می‌کند: چین، هند و کشورهای کوچک جنوب آسیا" به بررسی این مسأله می‌پردازد که چگونه کشورهای کوچک این منطقه سعی دارند تا از دو کشور چین و هند بدون گرفتار شدن در محور استراتژیک این دو کشور نهایت بهره را ببرند. این مقاله عنوان می‌کند که رقابت محدود چین و هند در عصر جهانی شدن اقتصاد، پنجره‌ای به روی کشورهای کوچک این منطقه جهت حداکثرسازی بهره‌مندی از این شرایط بدون وابستگی شدید به هر کدام از این دو دولت گشوده است.

جینگ دونگ اوایانگ (2019) در مقاله‌ای تحت عنوان "ابتکار جاده و کمربند چین در جنوب آسیا و پاسخ هند" به این بحث می‌پردازد که پروژه چینی جاده و کمربند با هدف تحول چشم‌انداز اقتصادی صورت گرفته است که چین، اوراسیا و منطقه اقیانوس آرام را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این مقاله بحث می‌کند که با عدم اعتماد استراتژیک و همچنین منازعات ارضی-مرزی موجود، هند نسبت به مقاصد چین رویکرد مثبتی ندارد و این پروژه رقابت دو کشور هند و چین را تشدید می‌کند.

بدیعی ازندهای و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان "تأثیر رقابت ژئوپلیتیک هند و چین بر چگونگی امنیت منطقه جنوب آسیا با تأکید بر مداخله‌گری آمریکا" به روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به بررسی مسأله پرداخته‌اند که ماهیت رقابت ژئوپلیتیک بین هند و چین در این منطقه جغرافیایی بر چه اساسی شکل گرفته است و فرآیند مداخله‌گری آمریکا چه تأثیری بر معادلات قدرت در این منطقه به جای گذاشته است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در فرآیند رقابت ژئوپلیتیک



چین و هند پررنگ شدن نقش اقتصاد در تحولات جهانی است. همچنین، در این فرایند، ایالات متحده با توجه به اشتراک منافع با هند در تلاش است نفوذ چین در مناطق پیرامونی را مهار کند. به ادعای این مقاله، در کوتاه‌مدت هیچ یک از دو کشور هند و چین نخواهند توانست به برتری مطلق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در برابر یکدیگر دست یابند. انصاری و باقرنیا (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان "ماهیت رقابت هند و چین در حوزه جنوب آسیا" به بررسی این سؤال می‌پردازد که ماهیت رقابت هند و چین در حوزه جنوب آسیا بر چه مبنایی است؟ نگارندگان بر این باورند که به دلیل رشد و توسعه چین، هند احساس تهدید کرده و در جست‌وجوی تقویت پیوندها با دیگر رقبای چین و شرکای خود است. به عبارت دیگر، هند که در همسایگی این کشور قرار داشته و به قدرت اقتصادی و توانایی‌های نظامی آن واقف است، گسترش نفوذ این کشور را تهدیدی علیه خود تلقی می‌کند.

## ۲. رهیافت تحلیلی: امنیت از منظر مکتب کپنهاگ

در مکتب کپنهاگ تعریف و کارکرد امنیت رابطه معناداری با مفهوم منطقه دارد. در این زمینه بوزان و ویور بر این باور هستند که تنها فهم عملکرد واحدهای مجزا نمی‌تواند به ادراک امنیت منجر شود، بلکه ضرورت دارد به یاری فهم پویای امنیت منطقه‌ای، مسأله ادراک موسع از امنیت را فراهم کرد؛ زیرا درهم تنیدگی مسائل امنیتی کشورهای مختلف باعث می‌شود تحلیل منفرد امنیت هر یک از کشورها ممکن نباشد. از نظر بوزان و ویور، منظومه قدرت، تابعی از مناطق محسوب می‌گردد. این دو بر این باور هستند مسأله پایان جنگ سرد که آغازی بر بی‌ثباتی در سیاست جهان بود و همچنین تغییر محیط سیاسی بین‌الملل در اثر حادثه ۱۱ سپتامبر نشان داد، رویکرد واقع‌گرایانه به امنیت منطقه‌ای دارای محدودیت‌های مختلفی است و ضرورت دارد که برای فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت به ساختار منطقه و ویژگی‌های کشورهای آن که در منطقه‌ای خاص قرار دارند و از معضلات امنیتی مشابهی برخوردار هستند، توجه کرد (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۰). بوزان و ویور در کتاب خود تحت عنوان «امنیت: چارچوبی جدید برای تحلیل» دو دیدگاه نسبت به امنیت مطرح می‌کنند: دیدگاه کلاسیک نظامی و دولت‌محور و دیدگاه جدید که اولویت نظامی و دولت را زیر سؤال می‌برد. بر اساس

این رویکرد، آشکارترین تفاوت این دو رویکرد، قبول دستورکار جدید چندبخشی به جای دستور کار تکبخشی است. بر خلاف بررسی‌های سنتی امنیت که برای یک بخش (نظامی) و یک بازیگر (دولت) اولویت همیشگی قائل هستند، رویکرد بوزان و ویور به شکل بسیار گسترده‌تر و مستدل‌تر، امنیت مضیق را مورد انتقاد قرار می‌دهد و امنیت تک‌بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تسری می‌دهد (کولایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۹). در این رویکرد، امنیتی‌سازی به فرایندی گفته می‌شود که منجر به قرار دادن برخی موضوع‌ها در چارچوب امنیت می‌شود. از دید بوزان، امنیتی‌سازی افزون بر بازیگران امنیت‌ساز و بازیگران کارآمد نیازمند دو شرط نیز است: باید موضوع‌های مورد نظر برای امنیتی‌شدن در چارچوب مفهوم تهدید امکان‌پذیر باشند و پذیرش آن از روی رضایت و یا اجبار و یا ترکیبی از رضایت و اجبار باشد. امنیتی‌سازی رابطه نزدیک با امنیت موسع دارد. از آنجا که مکتب کوپنهاگ بر جنبه‌های مختلف امنیت تأکید دارد، بررسی مسائل از ابعاد مختلف، مطالعات امنیتی را جامع‌تر می‌کند (کولایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۰). این مقاله با مدنظر قرار دادن تعریف موسع از امنیت و مشمول کردن آن به تمام جنبه‌های اقتصادی، نظامی و امنیتی به چگونگی امنیتی‌شدن چین و هند در منطقه جنوب آسیا می‌پردازد.

### ۳. استراتژی چین در منطقه جنوب آسیا

نقش چین در جنوب آسیا ریشه‌های عمیق‌تر دارد که از شکل‌گیری جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ فراتر می‌رود. در دوران مدرن، روابط چین با این منطقه به شکل‌گیری جمهوری خلق چین بازمی‌گردد که با وضعیت تبت و تنش‌های مرزی با هند و بوتان مرتبط است. پکن در پی حفظ حاکمیت، تمامیت ارضی و وحدت ملی است و بر سر این منافع حاضر به هر اقدامی حتی جنگ نیز است (Malik, 2001: 73). چین با ۵ کشور جنوب آسیا یعنی افغانستان، بوتان، هند، نپال و پاکستان مرز مشترک دارد و بسیاری از انگاره‌های سیاست خارجی این دولت با جنوب آسیا مرتبط است. این انگاره‌ها عبارت‌اند از: سیاست همسایگی، تمرکز بر قدرت‌های بزرگ (ایالات متحده، هند، روسیه که نفوذ زیادی در جنوب آسیا دارند) و دیپلماسی جنوب-جنوب با کشورهای در حال توسعه. همچنین، جنوب آسیا در کمپین چین تحت عنوان "به سمت

غرب<sup>۱</sup> که در سال ۲۰۰۰ شروع شد و بر توسعه مناطق غربی متمرکز بود و همچنین در قالب استراتژی "به سوی غرب"<sup>۲</sup> اهمیت می‌یابد که در پی جهت‌دهی منابع سیاست خارجی برای ایجاد موازنه در برابر حضور در حال گسترش ایالات متحده در شرق آسیا است. گزارش گروه مطالعاتی موسسه صلح ایالات متحده (USIP, 2020: 20)، اولویت‌های استراتژیک چین در جنوب آسیا را در موارد زیر جستجو می‌کند: حفاظت از مناطق غربی چین، مدیریت رقابت چینی-هندی و حفظ موقعیت چین به‌عنوان رقیبی در برابر ایالات متحده.

امروزه اهمیت جنوب آسیا در استراتژی سیاست خارجی کلی چین در حال افزایش است، حتی اگر اهمیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری این منطقه از اولویت کمتری نسبت به بازارهای شرق آسیا و شمال آمریکا داشته باشد. دلایل اهمیت فزاینده این منطقه برای چین را می‌توان در موارد زیر جستجو کرد: اول اینکه ظهور هند به‌عنوان یک قدرت جهانی چین را به همکاری و همچنین مقابله با دهلی نو وادار می‌کند؛ همچنین، توسعه تجارت، سرمایه‌گذاری و ارتباطات زیرساختی، چین را به منطقه جنوب آسیا از بسیاری جهات مرتبط ساخته است؛ دوم، پیوندهای امنیتی و دیپلماتیک در داخل آسیا نوعی ترس در پکن درباره ایجاد نوعی توازن ژئوپلیتیکی با حضور اعضای مختلف در مرزهای خود را سبب می‌شود. ابتکار عمل‌هایی مانند تقویت همکاری بین چهار کشور هند، ژاپن، استرالیا و ایالات متحده یکی از پیوندها است که سبب نگرانی دولت چین شده است. با توجه به این چشم‌انداز، مهم‌ترین اهداف و منافع چین در این منطقه در محورهای زیر قابل بررسی است.

### ۳-۱. تجارت و سرمایه‌گذاری

ارتباطات تجاری و سرمایه‌گذاری یکی از مهم‌ترین محرک‌های سیاست خارجی چین است و منطقه جنوب آسیا نیز از این قاعده مستثنا نیست. این منطقه نقشی مهم در توسعه مناطق غربی چین و همچنین ابتکار عمل کمربند و جاده دارد. ابتکار عمل کمربند و جاده نه تنها اقدام به ساخت جاده، راه آهن و دیگر زیرساخت‌ها می‌کند، بلکه

<sup>1</sup>. Go West

<sup>2</sup>. March West

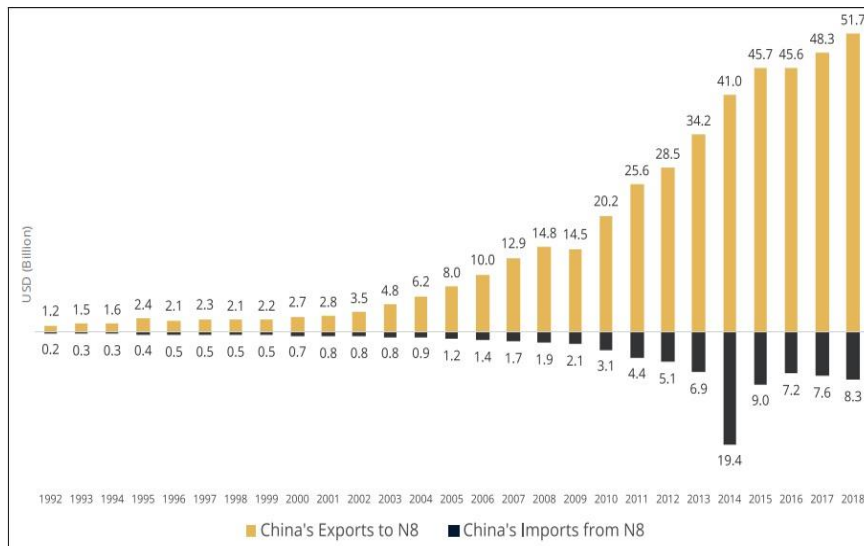


کشورهای مختلف را نیز به پذیرش استانداردهای تکنیکی و تکنولوژی‌های دیجیتالی چینی برای پروژه‌های کلیدی مانند شبکه‌های ارتباطات ترغیب می‌کند (Pal, 2021). کشورهای جنوب آسیا در زمینه متصل شدن به یکدیگر عقب افتاده هستند و این خود یکی از دلایل رشد پایین در این منطقه است که متعاقباً امر همگرایی را کند می‌کند. دیگر هدف ابتکار عمل کمربند و جاده فراهم کردن مسیری کوتاه‌تر برای صادرات کالاهای چینی از طریق اقیانوس هند است که می‌تواند هزینه انتقال کالا را کاهش دهد و در طی یک بحران یا منازعه احتمالی، امکان انتقال کالاهای چینی از طریق کشورهای دوست به مناطق شرق چین را فراهم کند.

ارتباطات اقتصادی چین با کشورهای جنوب آسیا از ابتکار عمل کمربند و جاده نیز فراتر می‌رود و شامل ارتباطات تجاری نیز می‌شود که از سال ۲۰۰۰ روندی روبه رشد داشته است. این منطقه با رشدی بسیار بالا و همچنین جمعیت جوان فرصت جذابی برای چین جهت توسعه روابط تجاری و سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند (USIP, 2020: 23). چین مدعی است که تجربه، دانش، محصولات و دانش کافی برای توسعه این کشورها بدون نیاز به لیبرالیزه شدن سیاسی را دارد.

میزان کل صادرات چین به کشورهای منطقه جنوب آسیا از ۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ به ۵۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است که نشان از رشدی نزدیک به ۷ برابری دارد و میزان کل واردات چین از کشورهای منطقه جنوب آسیا به ۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده است. به جز افغانستان، نپال و بوتان روابط تجاری چین با کشورهای منطقه بیش از روابط تجاری این کشورها با هند است. در همین راستا، چین توافقنامه‌های تجارت آزاد را در دستور کار قرار داده است و در این زمینه توافقنامه‌هایی با پاکستان و مالدیو امضا کرده است و مذاکراتی نیز با دیگر کشورهای منطقه در حال انجام دارد. شکل شماره ۱ میزان واردات و صادرات چین به کشورهای منطقه جنوب آسیا را نشان می‌دهد.

شکل ۱. میزان واردات و صادرات چین به کشورهای منطقه جنوب آسیا (۱۹۹۲-۲۰۱۸)



Source: (Sinha &amp; Sareen, 2020: 9)

سرمایه‌گذاری خارجی و کمک‌های خارجی دیگر دو حوزه مهم فعالیت اقتصادی چین در منطقه جنوب آسیا است. چین تا اواخر سال ۲۰۲۰، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در سریلانکا و نپال و هفتمین سرمایه‌گذار خارجی مهم در بنگلادش بود. در زمینه کمک‌های خارجی نیز بایستی اشاره کرد که چین به چهار کشور منطقه جنوب آسیا یعنی سریلانکا، نپال، بنگلادش و مالدیو کمک‌های مهمی مانند انتقال تکنولوژی، کمک‌های بلاعوض و وام صورت داده است. به‌عنوان مثال میزان کمک‌های تکنولوژیکی و کمک‌های بلاعوض چین به کشور نپال بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ جمعاً ۹۳ میلیون دلار بوده است (Pal, 2021: 45-48).

### ۲-۳. امنیت انرژی و ژئوپلیتیک دسترسی

یکی از مهم‌ترین موضوعات مهم برای سیاست خارجی چین، انرژی و مسیرهای انتقال آن است. در سال ۲۰۲۰ این کشور بزرگترین مصرف‌کننده انرژی در آسیا و جهان بود (Statista, 2020). چین نگرانی‌ها و چالش‌های جدی‌تری در خصوص تضمین جریان انرژی مورد نیاز خود دارد، زیرا انرژی در تداوم روند مدرنیزاسیون این کشور

نقش مهمی دارد و به همین جهت دستیابی به منابع انرژی در متن دستگاه دیپلماسی پکن قرار دارد (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۰). عمده نفت مصرفی این کشور از طریق منطقه خاورمیانه و روسیه تأمین می‌شود (Workman, 2020) و در حال حاضر سه مسیر مختلف (خلیج فارس-شمال اقیانوس هند، اقیانوس آرام-تنگه مالاکا، جنوب به شمال اقیانوس هند) برای دسترسی کشورهای جنوب آسیا به منابع انرژی وجود دارد که هر سه مسیر از ژئوپلیتیک جدید هند و چین متأثر هستند. هر کدام از این دو کشور به سبب رقابت‌های ژئوپلیتیک نگران تنش‌های احتمالی و تأثیر آن بر مسیرهای ارتباط دریایی هستند. همین مسأله باعث شده است که راهبردهایی نظیر تقویت قدرت دریایی از سوی چین دنبال شود (Malik, 2001: 79).

توسعه مناطق غربی چین که با تهدیدات امنیتی زیادی مانند اسلام‌گرایی و جدایی‌طلبی روبه‌رو است، یکی از نگرانی‌های چین است (Jaschock & Chan, 2009) و ابتکار عمل کمربند و جاده در جهت تسریع ادغام این مناطق در ساختارهای سیاسی و اقتصادی زمینه را برای نفوذ چین در ماورای مرزهای غربی این کشور فراهم می‌کند. به بیان سینگ و سینگ (2019)، از نظر ژئوپلیتیکی، چین در حال شکل دادن به روابط خود با پاکستان برای تبدیل بندر گوادر به نقطه کانونی در استراتژی "کمربند و جاده" برای اقدامات استراتژیک است. به همین دلیل، آن‌ها همکاری‌های اقتصادی و زمینه‌های سرمایه‌گذاری در رابطه با اتصال کریدور را تقویت کرده‌اند. برای چین تجارت از طریق بندر مالاکا که تحت نفوذ و سیطره ایالات متحده قرار دارد، بسیار هزینه‌بر است. بر همین اساس بندر گوادر برای چین اهمیت زیادی دارد. بندر گوادر مسیری ارزان‌تر، امن‌تر و کوتاه‌تر برای چین است و می‌تواند مسیر واردات نفت چین را در حدود ۶۰ درصد کوتاه‌تر کند. سرمایه‌گذاری عظیم چین در بندر گوادر و کریدور اقتصادی چین-پاکستان و تلاش‌های آن برای ادغام چابهار با گوادر، نفوذ چین در منطقه و دریای عرب را افزایش خواهد داد. چنین معادلاتی، علایق هند در بندر چابهار را به چالش می‌کشد. نگرانی هند در مورد بندر گوادر ناشی از این واقعیت است که نخست، این کشور تقریباً ۶۹ درصد نفت خام خود را از غرب آسیا از طریق تنگه هرمز که نزدیک بندر پاکستان است، وارد می‌کند؛ دوم، از نظر اقتصادی این بندر می‌تواند بندر تجاری بمبئی هند را به

حاشیه براند؛ سوم، دخالت چین در بندر گوادر منجر به بی‌اعتمادی بین چین و هند و همچنین پاکستان و هند شده است.

### ۳-۳. امنیت و سیاست خارجی

در کنار انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری و همچنین منافع اقتصادی، مجموعه‌ای از مولفه‌های امنیتی سبب شده است تا چین در جنوب آسیا تبدیل به کنشگری امنیتی شود. شاید بزرگترین نگرانی امنیتی چین در جنوب آسیا، مسأله اسلام‌گرایی در افغانستان باشد. برای پکن، افغانستان نباید به پناهگاه امن گروه‌های رادیکال اویغور تبدیل شود، ناامنی در افغانستان نباید پاکستان و دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی را بی‌ثبات کند، گروه‌های اسلام‌گرا در افغانستان نباید نفوذ ایدئولوژیک در سین کیانگ داشته باشند و منازعات نیابتی بین هند و پاکستان در افغانستان نباید تنش‌ها در جنوب آسیا را تشدید کند. پکن برای ایفای نقش پیشرو در تضمین یک نتیجه پایدار در افغانستان و حفظ منافع چین در این کشور پس از خروج آمریکا متکی به اسلام‌آباد بود. اما، به نظر می‌رسد شی جین پینگ به این مسأله واقف است که چین دیگر نمی‌تواند از داشتن نقش فعال‌تری در افغانستان اجتناب کند، اگر می‌خواهد به منافع ژئوپلیتیکی، امنیتی و اقتصادی مورد نظر خود دست یابد (Kaura, 2018: 20).

چین تروریسم، جدایی‌طلبی و اسلام‌گرایی را به‌عنوان یک پتانسیل بالقوه تهدید برای طیف گسترده‌ای از منافع امنیت ملی می‌بیند که شامل ثبات اجتماعی، وحدت ملی، حاکمیت و تمامیت ارضی چین می‌شود. تلاش‌های ضد تروریسم چین در حال حاضر عمدتاً بر جمعیت مسلمان اویغور در منطقه سین کیانگ متمرکز است. همسایگی این منطقه با افغانستان و پاکستان سبب نگرانی چین شده است و این ترس وجود دارد که گروه‌های اسلام‌گرای اویغور از این دو کشور به‌عنوان پایگاهی برای طراحی حملات علیه چین استفاده کنند (Kaura, 2018: 21). البته بایستی اشاره کرد که چین تعمداً تمامی فعالیت‌های مسلمانان اویغور را از طریق ارتباط دادن آن‌ها با اسلام‌گرایی تبدیل به موضوعی امنیتی می‌کند تا بتواند زمینه سرکوب آن‌ها را فراهم کند (USIP, 2020: 22). دیگر موضوع امنیتی مهم برای چین در جنوب آسیا مسأله تسلیحات هسته‌ای است. این کشور، به صورتی گسترده، در پی جلوگیری از جنگ هسته‌ای است و نقش مهمی

در مدیریت بحران هند-پاکستان دارد. هم‌زمان، تشدید کنترل شده بحران مذکور نیز یکی از اهداف چین در این منطقه است، زیرا بدین صورت هند منابع بیشتری صرف حل این منازعه خواهد کرد. از طرف دیگر کنترل این بحران توسط چین، امکان اعمال فشار بر پاکستان از طرف ایالات متحده و هند را نیز کم می‌کند (یان و هانا، ۱۳۹۷: ۴۵-۴۴).

دیگر موضوع امنیتی و در سطح قدرت بزرگ، افزایش قدرت هند، اهمیت کنترل این کشور توسط چین در منطقه جنوب آسیا، در سراسر منطقه اقیانوس هند و در برخی موضوعات جهانی را در اولویت قرار داده است (Ilhan, 2020). یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی چین، حل منازعات مرزی با هند به گونه‌ای است که به نفع چین خاتمه یابد. بر همین اساس، این کشور اقدام به بازسازی و مدرن‌سازی زیرساخت‌ها در تبت و بخش تحت کنترل پاکستان در کشمیر کرده است که می‌تواند موازنه نظامی در مرز بین هند-چین-پاکستان را برهم بزند. از طریق مدرنیزاسیون نظامی، پکن می‌خواهد مطمئن شود که مانعی در برابر دسترسی چین به جنوب آسیا از طریق مسیرهای زمینی و ریلی وجود ندارد. این امر چین را قادر می‌سازد تا به دریای عرب، خلیج بنگال و تمامی اقیانوس هند دسترسی پیدا کند (Kaura, 2018: 18).

بر همین اساس، در استراتژی چین (e.g. Ilhan, 2020; Singh, 2016) استیلائی نظامی بر جنوب آسیا جایگاه ویژه‌ای دارد. این کشور پس از انجام اصلاحات اقتصادی و تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی، افزایش قدرت نظامی و تسلط بر همسایگان را در اولویت قرار داده است. در این راستا، چین در حوزه امنیتی، طرح‌های متفاوتی را برای گسترش نفوذ خود از راه انعقاد توافقات دفاعی و امنیتی و انجام مانورهای مشترک در دستور کار قرار داده است. اگرچه چین اتحاد نظامی رسمی با هیچ یک از کشورهای جنوب آسیا علیه هند اعلام نکرده است، اما حملات مرزی مشترک چین و پاکستان در مرزهای شمالی هند، مایه نگرانی دهلی نو است. در نتیجه، دولت مؤدی توجه ویژه‌ای به تعمیق پیوندهای خاص دوستی با همسایگان کوچکتر با تأمین نیازهای اقتصادی و زیرساختی آن‌ها داشت. از آنجا که هند، فاقد ظرفیت مادی برای درگیر شدن در یک بازی با مجموع صفر با چین در جنوب آسیا است، به نظر می‌رسد استفاده از دیپلماسی قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر همسایگان راهبرد درستی باشد (Kaura, 2018: 23).

### ۳-۴. شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای

همان‌طور که قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی چین به‌طور قابل‌توجهی رشد می‌کند، تأثیر رفتار خارجی چین در منطقه جنوب آسیا نیز افزایش می‌یابد. قبل از روی کار آمدن شی جین‌پینگ، چین رویکردی محافظه‌کارانه داشت، اما پس از به قدرت رسیدن وی، سیاست خارجی این کشور قاطعیت بیشتری پیدا کرد. بر همین اساس در این دوره "سیاست همسایگی" اتخاذ شد که موجب تحول در سیاست خارجی چین شد. بنابراین، دیپلماسی چین نسبت به کشورهای همسایه و منطقه جنوب آسیا را می‌توان به‌عنوان بخشی از این سیاست دانست.

توجه روزافزون به همسایگان بی‌دلیل نبوده است. به بیان کاورا (2018) چین به تدریج متوجه این مسأله شده است که تبدیل شدن به یک مرکز قدرت در سیستم منطقه‌ای باید نتیجه منطقی ظهور این کشور باشد. روابط مثبت با کشورهای همسایه موقعیت استراتژیک چین را بهبود خواهد بخشید و به توسعه جهانی نفوذ آن کمک خواهد کرد. اگر حاشیه چین بی‌ثبات باقی بماند، انسجام اجتماعی و امنیت ملی این کشور نمی‌تواند تأمین شود. بر همین اساس، یکی از مهم‌ترین خواسته‌های چین شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای در جنوب آسیا بر اساس منافع این کشور است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای چین در این راستا، ایفای نقشی مهم در ایجاد نهادهای چندجانبه با حضور کشورهای جنوب آسیا است. چین نقشی مهم در برخی از این گروه‌بندی دارد: بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا<sup>۱</sup>، سازمان همکاری شانگهای، مجمع همکاری چین-جنوب آسیا<sup>۲</sup>، کنفرانس اعتمادسازی و تعامل در آسیا<sup>۳</sup> و سازمان ملل از مهم‌ترین این گروه‌بندی‌ها هستند.

بازتعریف یا تأسیس نهادهای جدید فقط بخشی از جاه‌طلبی‌های گسترده چین در این منطقه و جهان به‌طور کلی است. شی جین‌پینگ سیاست خارجی چین را حول هدف تأسیس "یک جامعه با آینده‌ای مشترک برای بشر"<sup>۴</sup> سازمان‌دهی کرده است؛ این فرمول‌بندی به‌عنوان عنصری مهم در ساخت فضای نفوذ چین-محور است. چین با

<sup>1</sup>. The Asian Infrastructure Investment Bank

<sup>2</sup>. Conference on Interaction and Confidence Building Measures in Asia

<sup>3</sup>. Confidence Building Measures in Asia

<sup>4</sup>. Community with a shared future for mankind

استفاده از "ابتکار عمل کمربند و جاده" و دیگر ابزارها به دنبال اتصال مجدد کل آسیا از شرق به خاورمیانه و بعداً به آفریقا و اروپا است. جنوب آسیا یا به عنوان مانع یا به عنوان پلی در این زمینه عمل خواهد کرد (USIP, 2020: 25).

یکی از اهداف پکن از ساخت نظم چین-محور به حداقل رساندن نقش قدرت‌های بزرگ و علی‌الخصوص ایالات متحده از ایجاد نفوذ در منطقه است. تفسیرشی جین پینگ از "مفهوم امنیت جدید آسیایی"<sup>۱</sup> که به اختصار "آسیا برای آسیایی‌ها"<sup>۲</sup> خوانده می‌شود، به صورت نوعی این طرز تفکر را نشان می‌دهد. نهایتاً، چین در پی نفوذ سیاسی و شکل دادن به هنجارهای حکمرانی در آسیا با هدف تقویت هر چه بیشتر حزب کمونیست در داخل است. چین تلاش دارد تا کاپیتالیسم موجود در چین را به نوعی آسیایی جلوه داده و برای کشورهای آسیایی نیز مطلوب نشان دهد.

#### ۴. استراتژی هند در منطقه جنوب آسیا

برای هند، هدف، تثبیت موقعیت قدرت منطقه‌ای برای تضمین امنیت سرزمینی و همچنین ایجاد یک سکوی پرش محکم برای تبدیل شدن به یک قدرت جدید در جهان است. در سی و نهمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل، مؤدی، نخست وزیر هند عنوان کرد: "سرنوشت این کشور ارتباط تنگاتنگی با منطقه جنوب آسیا دارد. این دلیلی است مبنی بر اینکه چرا دولت هند بالاترین اولویت را به ارتقای دوستی و همکاری با کشورهای همسایه قائل است" (Le Thi and Thy Thuong, 2021: 8). مؤدی همچنین متذکر شد که موقعیت هند در رابطه با قدرت‌های بزرگی مانند ایالات متحده و اروپا تنها در صورتی پیشرفت قابل توجهی خواهد داشت که دهلی نو وحدت ژئوپلیتیکی در جنوب آسیا را دوباره برقرار کند. به علاوه، هند، پس از مدت‌ها غفلت از روابط خود با همسایگان منطقه‌ای خود متوجه شد که برای چندین دهه، چین به طور ضمنی در منطقه جنوب آسیا نفوذ کرده و دامنه این نفوذ را افزایش نیز داده است. بنابراین، تحت رهبری نخست وزیر مؤدی، همسایگان جنوب آسیا به اولویت اصلی سیاست خارجی هند تبدیل شدند.

<sup>1</sup>. New Asian Security Concept

<sup>2</sup>. Asia for Asians



استراتژی کلان هند، جهان را به دوایر متحدالمرکزی تقسیم می‌کند: اولین دایره، همسایگان نزدیک هند را دربرمی‌گیرد. در محیط این دایره، هند درصدد کسب موقعیت هژمونی است تا به واسطه آن بتواند با حضور قدرت‌های دیگر در این منطقه مقابله کند (هژمون منطقه‌ای)؛ دایره دوم، منطقه وسیع‌تری از همسایگان هند را دربرمی‌گیرد که محیط آن را آسیا و کشورهای حاشیه اقیانوس هند تشکیل می‌دهند. در این محیط، هند در پی ایجاد موازنه در مقابل سایر قدرت‌ها و ممانعت از تضييع منافع خویش توسط آنها است؛ در دایره سوم که در واقع کل جهان را دربرمی‌گیرد، تلاش هند در جهت کسب جایگاه قدرت بزرگ و ایفای نقش کلیدی در صلح و امنیت بین‌المللی است (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۸). با توجه به اهمیت منطقه جنوب آسیا برای هند، مهم‌ترین اهداف و منافع هند در این منطقه در محورهای زیر قابل بررسی است.

#### ۴-۱. امنیتی و نظامی

جنوب آسیا یکی از بحرانی‌ترین مناطق جهان است و با تهدیدات امنیتی کلاسیک و جدید متعددی روبه‌رو است. مناقشات مرزی، تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، منازعات قومی-مذهبی، شورش‌های چپ‌گرایان - که در ارتباط با گروه‌های تروریستی جهانی و منطقه‌ای هستند- و تغییرات اقلیمی - که می‌تواند این منطقه را به فقیرترین منطقه در جهان تبدیل کند- از جمله این تهدیدات امنیتی هستند. دیگر مسأله مهم در این زمینه نبود ترتیبات امنیتی خاص منطقه‌ای است که مشکل تهدیدات امنیتی را دوچندان کرده است. این منطقه برخلاف دیگر مناطق جهان مانند آمریکای شمالی، اروپا و شرق آسیا ترتیبات امنیتی خاص منطقه‌ای ندارد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۸۲). بر همین اساس منطقه جنوب آسیا جایگاه مهمی در دکترین استراتژیک هند دارد (Babar & Mirza, 2021: 80; Tarapore, 2020: 10) و دهلی نو در جهت برطرف کردن این تهدیدات نظامی، اقدام به شکل دادن اشکال متفاوتی از همکاری بین هند و همسایگان خود کرده است. این همکاری‌های دوجانبه هند و همسایگان بعدها می‌تواند مبنای شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای باشد. در ادامه مهم‌ترین همکاری‌های امنیتی-نظامی دوجانبه شکل گرفته بین هند و همسایگان بررسی می‌شود.



منطقه جنوب آسیا بیش از هر بحران دیگری با مناقشه هند-پاکستان مشخص است. دهه ۱۹۸۰ شاهد شروع فرایند برخی همکاری‌ها بین این دو کشور بود. در سال ۱۹۸۸ این دو کشور فهرست مکان‌های دارای تسلیحات هسته‌ای را با یکدیگر مبادله کردند تا در جنگ احتمالی بین این دو کشور این مناطق مورد حمله قرار نگیرند. از سال ۱۹۹۲ این فهرست در اول ژانویه هر سال به روزرسانی می‌شود. در سال ۲۰۰۶ دو کشور متعهد به عدم تکثیر موشک‌های بالستیک شدند و در سال ۲۰۰۷ نیز توافقنامه کاهش خطرات حاصل از وقایع مرتبط با سلاح‌های هسته‌ای بین دو کشور امضا شد. علی‌رغم برخی پیشرفت‌ها در روابط دو کشور، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات بین دو کشور همچنان پابرجاست. این مشکل، حملات اسلام‌گرایان به خاک هند -بالأخص منطقه کشمیر- است که عمدتاً در پاکستان فعالیت دارند. در سال ۲۰۰۴ دو کشور توافقنامه‌ای در این زمینه امضا کردند و بر سر مبادله اطلاعات تروریست‌ها توافق حاصل شد (Wagner, 2018: 21-2). اما دوباره از سال ۲۰۱۳ حملات گروه‌های تروریستی مستقر در پاکستان به نیروهای امنیتی هند تشدید شده است. به طوری که از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ این حملات افزایشی بیست برابری داشته است (Hooda, 2019: 17). به نظر می‌رسد پاکستان همچنان مهم‌ترین دغدغه امنیتی هند باقی بماند.

به صورت سنتی، هند و افغانستان روابط حسنه‌ای با یکدیگر داشتند. در طی جنگ داخلی در دهه ۱۹۹۰ میلادی در افغانستان، هند از دولت این کشور و پاکستان نیز از طالبان حمایت می‌کرد. در واقع این جنگ به نوعی جنگ نیابتی بین هند و پاکستان بود. پس از حمله ایالات متحده به افغانستان، هند بزرگ‌ترین کمک کننده مالی غیرغربی به این کشور بود. در سال ۲۰۱۱ نیز دو کشور پیمان‌نامه همکاری استراتژیک با یکدیگر امضا کردند که مبنایی برای همکاری نظامی هند-افغانستان بود (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۱). با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، روابط امنیتی دو کشور در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و هند را در وضعیت دشواری قرار داده است.

بیشترین روابط امنیتی هند در منطقه جنوب آسیا با نپال است. معاهده دوستی و صلح ۱۹۵۰ روابط دوجانبه این دو دولت را شکل داده است. بر همین اساس همکاری نظامی دوجانبه دو کشور در سال ۱۹۵۲ شروع شد و نپال از دهلی نو در جهت بازسازی ارتش



پادشاهی دعوت کرد. در طی جنگ داخلی در نپال (۲۰۰۶-۱۹۹۶)، دولت هند از حامیان دولت نپال بود. هر چند دولت نپال از عملکرد دهلی نو در این زمینه ناراضی بود؛ زیرا هند نقش خود از حامی دولت را به نقش میانجی بین دو طرف منازعه تغییر داد. روابط نظامی این دو کشور هنوز هم در سطح عالی برقرار است و نیروهای نظامی نپال در هند آموزش می‌بینند (11: Wagner, 2014; 53: Paul, 2019). هند، نپال را یک موضوع ویژه امنیت ملی می‌داند و به شدت نگران فعالیت چین در این کشور است. بر همین اساس، مؤدی، نخست وزیر هند، نپال را در بالاترین اولویت خود قرار داده بود (Jaiswal, 2020).

هند روابط نظامی گسترده‌ای نیز با بوتان دارد. از سال ۱۹۶۱ سازمان امور مرزی هند، امور زیرساختی را در بوتان برعهده دارد. هند همچنین حمایت‌های اقتصادی گسترده‌ای از بوتان کرده است. در سال ۲۰۰۳ با حمایت دولت هند، نپال توانست کمپ‌های نظامی بزرگ گروه‌های شورشی را جمع کند (Wagner, 2014: 20-21). دولت جدید بوتان نیز تمایل خود به ادامه همکاری با هند در تمامی زمینه‌های امنیتی را ابراز کرده است.

همکاری امنیتی بین هند و بنگلادش همیشه متکی به ترتیبات سیاسی در بنگلادش بوده است. با مداخله نظامی در جنگ داخلی پاکستان شرقی، بنگلادش استقلال خود را در سال ۱۹۷۱ به دست آورد. در حوزه همکاری امنیتی بین دو کشور، چهار موضوع اصلی مورد توجه عبارت‌اند از: مناقشات مرزی، مهاجرت غیرقانونی و مجادله بر سر کمپ‌های گروه‌های نظامی در داخل بنگلادش. مناقشات مرزی پس از سال‌ها مذاکره در سال ۲۰۱۱ خاتمه یافت، اما مسأله کمپ‌های گروه‌های نظامی همچنان پابرجاست. با این وجود، از سال ۲۰۰۷، همکاری‌های امنیتی دو کشور افزایش یافته است و در سال ۲۰۱۳ نیز دو کشور بر سر مبارزه با تروریسم و جنایات فرامرزی به توافق رسیدند (Wagner, 2018: 20-21). در کنار پاکستان، همکاری امنیتی هند-سريلانكا سخت‌ترین نمونه در منطقه جنوب آسیا است. منازعه بین اقلیت قومی تامیل<sup>۱</sup> و اکثریت قومی سینهایلی<sup>۲</sup> وجه مشخصه سیاست داخلی سريلانكا است. تنش‌های قومی در داخل این کشور سیاست

1. Tamil

2. Sinhalese

داخلی در هند و بالأخص ایالت تامیل نادو<sup>۱</sup> را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اولین همکاری امنیتی بین دو کشور در سال ۱۹۷۱ و با حمایت هند از دولت مرکزی در زمینه مبارزه با گروه‌های چپ‌گرای افراطی بود. در سال ۱۹۸۷ نیز در جریان جنگ داخلی بین دو گروه قومی مذکور، نیروهای حفظ صلح هند به مناطق شمالی سریلانکا اعزام شدند. این عملیات اولین و تنهاترین عملیات هند در خارج از مرزها بدون قطعنامه حمایتی سازمان ملل بود. البته هند در این عملیات عملکرد قابل قبولی نداشت و در بهار ۱۹۹۰ بدون خاتمه دادن به جنگ از این کشور خارج شد (Manoharan, 2011). متعاقباً، با خروج هند از سریلانکا همکاری‌های امنیتی چین و سریلانکا افزایش یافت و همین امر باعث نگرانی‌های عمیق هند شد (Attanayake and Atmakuri, 2020). با این حال، توافقاتنامه‌های دوجانبه دیگری نیز بین دو کشور هند-سریلانکا در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ امضا شد که همکاری‌های امنیتی بین دو کشور را عمیق‌تر ساخت.

روابط دو کشور هند-مالدیو همیشه از ثبات برخوردار بوده است و همکاری‌های امنیتی بین هند و مالدیو از سال ۱۹۸۸ شروع شده است. در جریان درگیری‌های داخلی و تلاش تامیل‌ها برای کودتا در مالدیو، هند از دولت مرکزی این کشور حمایت کرده و کودتا را سرکوب کرد. در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ نیز برخی همکاری‌های امنیتی صورت گرفت و از سال ۲۰۰۹ نیز دو کشور مانورهای نظامی مشترکی برگزار می‌کنند. سال ۲۰۱۲ و با تغییر حکومت در مالدیو روابط دو کشور شاهد تحولاتی بود، اما دهلی نو سعی داشت تا ثبات را در این کشور و حوزه اقیانوس آرام حفظ کند. روابط فیما بین با وجود این تحولات ادامه داشته است و توافق سه جانبه‌ای نیز در سال ۲۰۱۳ بین هند، مالدیو و سریلانکا در جهت مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر در آب‌های ساحلی این کشورها صورت گرفت (Kumar, 2016).

همان گونه که مشاهده می‌شود، دهلی نو در جهت غلبه بر تهدیدات امنیتی کلاسیک و نو اقدام به توسعه همکاری‌های نظامی و امنیتی دوجانبه و سه جانبه کرده است و امیدوار است این ترتیبات روزی به ترتیبات امنیتی جمعی در منطقه جنوب آسیا تبدیل شوند. در کنار این‌ها، هند در پی استفاده از ظرفیت‌های سازمان سارک نیز در این راستا

<sup>۱</sup>. Tamil Nadu



است. اما در حال حاضر می‌توان از بسترسازی سارک برای همکاری منطقه‌ای صحبت کرد تا همگرایی. هرچند سارک توانسته است برنامه‌های درازمدتی را برای ایجاد منطقه آزاد تجاری تدارک ببیند، ولی اعضای اصلی آن هنوز در تصویب اسناد اولیه نیز دچار ناهمسویی هستند (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۸۳).

#### ۴-۲. امنیت انرژی و مسیرهای انتقال انرژی

هند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قدرت‌های در حال ظهور تلاش دارد تا منافع ملی و امنیت انرژی خود را تأمین کند. امنیت انرژی هر کشوری با تأمین بدون وقفه انرژی مورد نیاز، امنیت مسیرهای انتقال انرژی و همچنین تنوع منابع وارداتی در ارتباط است. از این رو هند نیز تلاش دارد تا انرژی مورد نیاز خود را بدون وقفه، از منابع متنوع و همچنین از مسیرهای امن تأمین کند. این کشور سومین مصرف‌کننده بزرگ انرژی در جهان است (Statista, 2020) و بر همین اساس نگرانی‌های زیادی در مورد امنیت انرژی دارد و آن را به‌عنوان یک مسأله امنیتی مدنظر خود قرار داده است.

هر چند هند وابستگی روزافزونی به نفت خام خاورمیانه دارد، اما این کشور به سمت تأمین نفت خام از منابع خارج از منطقه خاورمیانه نظیر کشورهای آفریقایی (نیجریه، آنگولا و کنگو)، روسیه و مالزی و کشورهای آمریکایی (مکزیک، ونزوئلا، کلمبیا و آمریکا) حرکت کرده است. در کنار مسأله جریان بدون وقفه و متنوع سازی منابع تأمین انرژی، دیگر مسأله مهم برای هند، عامل امنیت مسیرهای انتقال انرژی است. اهمیت این موضوع از آن جهت مهم است که منطقه جنوب آسیا طیف متنوعی از کشمکش‌های ارضی و مرزی را شاهد است (پیردشتی و کمری، ۱۳۹۵). در کنار عامل اختلافات ارضی-مرزی، مسأله دیگری که انرژی را به یک مسأله امنیتی تبدیل کرده است به سیاست‌های چین در منطقه جنوب آسیا و بالأخص اقیانوس هند برمی‌گردد. همچنان که قبلاً نیز ذکر شد، چین در تنگه مالاکا به دنبال حفظ برتری خود است و در این راستا سیاست نزدیکی روزافزون با میانمار و بنگلادش را در پیش گرفته است و به این ترتیب منافع هند در تنگه مالاکا را متأثر ساخته است و نگرانی‌های امنیتی دهلی نو را تشدید کرده است. این نگرانی‌های امنیتی هند با تلاش چین برای اعمال نفوذ در شمال دریای عرب و نهایتاً تسلط چین بر هر دو شاهراه ارتباطی شرق و غرب جهان با جنوب آسیا

که نوعی برتری ژئواستراتژیک به این کشور می‌دهد ( Kulkarni and Kristle Nathan, 2016) تشدید یافته است. اختلافات و جنگ‌های هند و پاکستان نیز خود عامل دیگری است که امنیت مسیرهای انتقال انرژی به هند و منطقه جنوب آسیا را دچار اختلال کرده است. به‌عنوان مثال یکی از دلایل عملیاتی نشدن خط لوله تاپی، اختلافات هند و پاکستان و عبور این خطوط لوله گاز از کوئته پاکستان (ناآرامی‌هایی را شاهد بوده است) است (موسوی شفائی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۲).

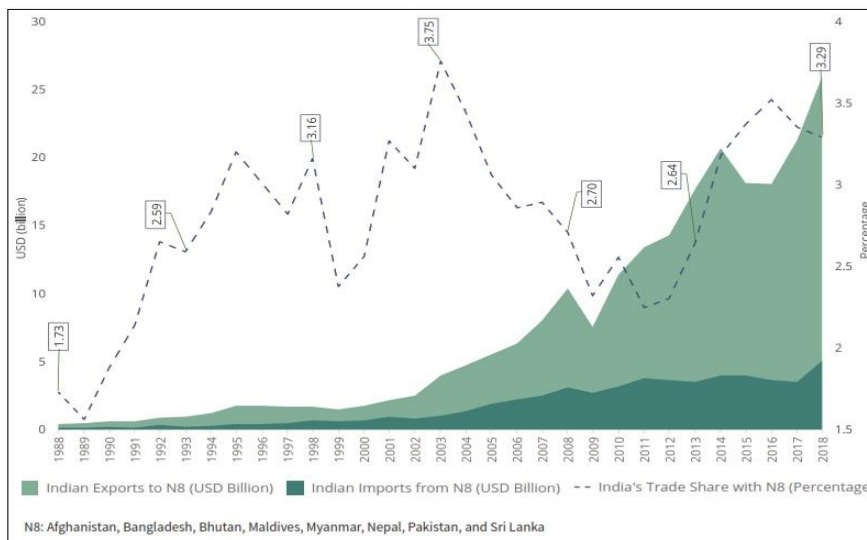
استراتژی مقابله‌ای هند در این حوزه متمرکز بر افزایش همکاری‌ها با ایالات متحده، سیاست نگاه به شرق آسیا، همکاری با ایران، سیاست نگاه به غرب آسیا و شمال بوده است. همکاری با ایران یکی از گزینه‌های هند در جهت ایجاد موازنه در برابر چین است. روابط دو کشور پیش از اوج گرفتن تحریم‌های هسته‌ای بر علیه ایران، مثبت و سازنده بود، اما این روابط دوجانبه تحت‌الشعاع سایه ایالات متحده قرار دارد. مشارکت و حضور هند در چابهار مزیتی استراتژیک برای دو طرف محسوب می‌شود. هند می‌تواند از طریق گسترش همکاری در توسعه بندر چابهار، حوزه نفوذ خود را در رقابت با چین و پاکستان در سواحل دریای عمان و اقیانوس هند گسترش دهد. هند از طریق این بندر همچنین می‌تواند با دور زدن پاکستان به آسیای مرکزی (به‌عنوان یکی از منابع تأمین انرژی) و افغانستان برسد (تقی زاده انصاری و باقرنیا، ۱۴۰۰: ۲۱).

#### ۳-۴. تجارت و سرمایه‌گذاری

باوجود نزدیکی جغرافیایی و توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه تجارت آزاد، جنوب آسیا از نظر همگرایی اقتصادی عملکرد بسیار ضعیفی دارد، به طوری که تجارت درون منطقه‌ای تنها ۵ درصد از تجارت کل منطقه (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۸۲) را شامل می‌شود. در سال‌های اخیر بزرگ‌ترین اقتصاد این منطقه، یعنی هند، تلاش کرده است روابط تجاری خود را با کشورهای منطقه جنوب آسیا توسعه دهد. دهلی نو برای درست کردن یک فضای باز متشکل از کشورهای جنوب آسیا و برپایی همکاری‌های منطقه‌ای، اقدامات لازم را انجام داده و پشتیبان اصلی تشکیل منطقه تجارت آزاد بوده است. اگرچه در مقایسه با چین، عملکرد به نسبت ضعیف‌تری داشته است، اما همکاری‌های اقتصادی

کشورهای منطقه‌ای و هند رشد چشمگیری داشته است. شکل شماره ۲. روند تجارت کالا بین هند و کشورهای جنوب آسیا را نشان می‌دهد.

شکل ۲. روند تجارت کالا بین هند و کشورهای جنوب آسیا (۱۹۸۸-۲۰۱۸)



Source: (Sinha & Sareen, 2020: 6)

همچنان که شکل ۲ نیز نشان می‌دهد، روابط تجاری هند و دیگر کشورهای جنوب آسیا از سال ۱۹۸۸ روند روبه رشدی داشته است. بزرگ‌ترین شرکای صادراتی هند در منطقه جنوب آسیا به ترتیب عبارت‌اند از: بنگلادش، سریلانکا و نپال. بزرگ‌ترین شرکای وارداتی هند در این منطقه نیز عبارت‌اند از: میانمار، سریلانکا و بنگلادش. تمامی کشورهای همسایه هند در زمینه روابط تجاری با این کشور دارای تراز منفی تجاری هستند. علی‌رغم حجم تجارت در حال افزایش، تجارت هند با کشورهای منطقه‌ای بین ۱.۷ درصد و ۳.۸ درصد تجارت جهانی محدود بوده است. در جهت غلبه بر موانع و محدودیت‌ها، توافقنامه‌هایی جهت تسهیل تجارت آزاد در دستور کار قرار دارد. همچنین هند برای گسترش همکاری‌های دوجانبه با کشورهای عضو سارک تلاش کرده است. رهیافت کشور به کشور برای هند مزایای اقتصادی زیادی فراهم آورده است (Sinha & Sareen, 2020: 6). علی‌رغم توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه، تجارت درون منطقه‌ای محدود است. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر نبود مزیت نسبی اقتصادی در منطقه است که امکان مکملیت اقتصادی را دشوار می‌سازد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۸۲). دیگر

مانع مهم در برابر تجارت دوره منطقه‌ای، ایفای نقش برادر بزرگ توسط هند است که سبب واگرایی و ترس کشورهای کوچک‌تر شده است.

## ۵. تجزیه و تحلیل

از زمان استقلال هند، روابط هند و چین فراز و نشیب‌های زیادی داشته است و ترکیبی از الگوهای رفتاری متفاوت مانند همکاری، رقابت و تقابل را شاهد بوده است. با انتقال قدرت جهانی به شرق، ظهور همزمان چین و هند یکی از مهمترین رویدادهای ژئواستراتژیک در دو دهه اول قرن بیست و یکم است. در روند افزایش قدرت، هم چین و هم هند آرزوی تبدیل شدن به یک قدرت جهانی را دارند و به این ترتیب، دو کشور یکدیگر را به‌عنوان موازنه متقابل دیده و تصمیم دارند تا نفوذ دیگری را مهار کنند. در حالی که هند سیاست نگاه به شرق خود را جهت تقویت حضور در منطقه استراتژیک چین، یعنی جنوب شرق آسیا، دارد، چین نیز به طور تهاجمی حوزه نفوذ خود را در جنوب آسیا ایجاد می‌کند. این یک تعادل متقابل و محدودیت متقابل بین دو قدرت ایجاد می‌کند و هند و چین باید به حوزه‌های جدید منافع استراتژیک و همچنین تلاش برای تحکیم موقعیت خود در حوزه‌های نفوذ سنتی توجه کنند. در دهه دوم قرن بیست و یکم رقابت بین دو غول آسیایی به دلیل سیاست‌های خاص استراتژیک بلندمدت دو کشور تشدید شد. هر دو کشور در هدف خود برای اعمال نفوذ در جنوب آسیا مصمم‌تر شدند و اقدامات واضح، مستقیم و شدیدتری را در دستور کار قرار دادند (Le Thi and Thy Thuong, 2021: 2-6). البته سطح و میزان اهمیت این منطقه برای پکن و دهلی نو متفاوت است. چین ریشه‌های عمیقی در جنوب آسیا دارد و بسیاری از انگاره‌های سیاست خارجی این کشور مانند سیاست همسایگی و دیپلماسی توسعه روابط با کشورهای توسعه نیافته با جنوب آسیا مرتبط است. مجموعه عوامل متعددی عواملی مانند نگرانی‌های امنیتی، افزایش قدرت اقتصادی-سیاسی هند، ضرورت توسعه تجارت، سرمایه‌گذاری و ارتباطات زیرساختی با کشورهای منطقه و نهایتاً جایگاه این منطقه در استراتژی کلان چینی و بالأخص در پروژه کمربند و جاده سبب شده است تا چین به نوعی تبدیل به کنشگری امنیتی در این منطقه شود. بر همین اساس، توسعه روابط بازرگانی بین چین و جنوب آسیا یکی از اولویت‌های چین بوده است و پکن گام‌های



بزرگی نیز در این حوزه برداشته است. پروژه کمربند و جاده چین در همین راستا و همچنین در جهت فراهم کردن مسیری کوتاه‌تر برای صادرات کالاهای چینی از طریق اقیانوس هند است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این کشور توانسته است میزان صادرات خود به این منطقه را از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ نزدیک به ۷ برابر افزایش دهد و به جز افغانستان، نپال و بوتان روابط تجاری بیشتری با کشورهای منطقه نسبت به هند داشته باشد. دیگر عامل مهمی که چین را تبدیل به کنشگری امنیتی در این منطقه کرده است، امنیت انرژی است. هر گونه تنش احتمالی و تأثیر آن بر مسیرهای ارتباط دریایی موجب نگرانی چین و تهدیدی بر علیه امنیت ملی این کشور است؛ همین مسأله باعث شده است که راهبردهایی نظیر تقویت قدرت دریایی از سوی چین دنبال شود. بر همین اساس، استراتژی‌هایی مانند تلاش در جهت توسعه روابط با پاکستان و نفوذ در سواحل جنوبی این کشور مدنظر چین قرار دارد. تسلط چین بر شاهراه‌های ارتباطی شرق و غرب جهان با جنوب آسیا نوعی برتری ژئواستراتژیک به این کشور خواهد داد. در بعد امنیتی-نظامی، مقابله با تهدیدات بازیگران غیردولتی، مدیریت رقابت‌های درون منطقه‌ای و نفوذ در سراسر منطقه جنوب آسیا و حصول مزیتی ژئوپلیتیکی نسبت به دیگر رقبای مهم از دیگر عواملی هستند که چین را تبدیل به کنشگری امنیتی در این منطقه کرده‌اند. همچنین کنترل هند در سراسر منطقه جنوب آسیا و اقیانوس هند و حتی در برخی موضوعات جهانی در اولویت پکن قرار دارد. تلاش چین در جهت استیلای نظامی بر جنوب آسیا در این راستا قابل تحلیل است. با توجه به اهمیت این منطقه برای چین، پکن تلاش دارد تا نظم منطقه‌ای در جنوب آسیا را بر اساس منافع خود شکل دهد. یکی از اهداف پکن از ساخت نظم چین-محور در این منطقه به حداقل رساندن نقش قدرت‌های بزرگ و علی‌الخصوص ایالات متحده از ایجاد نفوذ در منطقه و همچنین کنترل هند است.

برخلاف چین، منطقه جنوب آسیا در صدر اولویت استراتژیک هند قرار دارد. هند درصدد کسب موقعیت هژمونی در این منطقه است تا به واسطه آن بتواند با حضور قدرت‌های دیگر (بالأخص چین) در این منطقه مقابله کند. مهم‌ترین اهداف و منافع هند در این منطقه که سبب می‌شود تا دهلی نو تبدیل به کنشگری امنیتی در جنوب آسیا شود



در سه حوزه امنیتی و نظامی، امنیت انرژی و تجارت و سرمایه‌گذاری قابل بررسی است. جنوب آسیا یکی از بحرانی‌ترین مناطق آسیا و جهان است و هند تلاش دارد اشکال متفاوتی از همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه جهت مقابله با این تهدیدات را شکل دهد. بزرگ‌ترین مشکل امنیتی هند در جنوب آسیا، پاکستان است. تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و خطر جنگ هسته‌ای، تنش‌های ارضی-مرزی و اسلام‌گرایی افراطی از مهم‌ترین عوامل بحران‌ساز در روابط دهلی نو-اسلام آباد هستند. حمایت چین از پاکستان نیز باعث شکل‌گیری نوعی الگوی تضاد مستقیم بین هند و پاکستان (بنگرید به: شفيعی و فرجی نصیری، ۱۳۹۳) شده است. امنیت انرژی از دیگر عوامل مهمی است که هند را تبدیل به کنشگری امنیتی در این منطقه کرده است. بحران هند و پاکستان عاملی است که امنیت مسیرهای انتقال انرژی به منطقه جنوب آسیا را تهدید می‌کند. یکی از دلایل عملیاتی نشدن خط لوله تاپی همین بحران مذکور است. در زمینه روابط بازرگانی میان هند و کشورهای جنوب آسیا نیز بایستی اشاره کرد که دهلی نو تلاش دارد روابط تجاری خود را با کشورهای منطقه جنوب آسیا توسعه دهد؛ اگرچه در این زمینه عملکرد خوبی نسبت به چین نداشته است. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر نبود مزیت نسبی اقتصادی در منطقه است که امکان مکملیت اقتصادی را دشوار می‌سازد. اکثر کشورهای این منطقه در عرصه بازرگانی رقیب یکدیگر به شمار می‌روند.

مجموعه عوامل اشاره شده برای هر دو کشور چین و هند سبب شده است تا این دو کشور تبدیل به کنشگری امنیتی در منطقه شوند. این مسأله منطقه جنوب آسیا را تبدیل به عرصه رقابت این دو کشور کرده است و ترتیبات نظامی-سیاسی-اقتصادی منطقه شدیداً متأثر از ترتیبات نظامی-سیاسی-اقتصادی پکن-دهلی نو است. در یک طرف این ترتیبات کشورهای چین-پاکستان-میانمار-بنگلادش و اخیراً افغانستان و در طرف دیگر نیز هند-میانمار-ویتنام قرار دارند. البته نوع روابط استراتژیک در داخل هر یک از این ترتیبات کمی متفاوت است.



### نتیجه‌گیری

این مقاله به دنبال بررسی «چگونگی تبدیل شدن چین و هند به کنشگری امنیتی در منطقه جنوب آسیا» بود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هند و چین مهم‌ترین کنشگران امنیتی در این منطقه هستند. مجموعه اهداف و اولویت‌های مختلفی سبب شده است تا چین و هند در این منطقه تبدیل به کنشگری امنیتی شوند. یکی از حوزه‌های رقابت بین پکن و دهلی نو، اقتصاد و تجارت است. در استراتژی هر دو کشور، توسعه روابط تجاری با کشورهای جنوب آسیا اولویت بالایی دارد. بر همین اساس این موضوع خود تبدیل به یک موضوع امنیتی شده است و چین و هند هر کدام سعی دارند تا تراز صادراتی و وارداتی را به نفع خود تغییر دهند و یکدیگر را به چشم رقیب می‌نگرند. آمارهای اقتصادی مختلف حکایت از برتری چین در این زمینه دارد. دیگر حوزه رقابت بین پکن و دهلی نو، انرژی و مسیرهای انتقال انرژی است. طبیعی است هرگونه تهدید بر علیه انرژی و مسیرهای انتقال انرژی تهدیدی مستقیم بر علیه امنیت ملی چین و هند نگریسته می‌شود. بر همین اساس این دو کشور استراتژی‌هایی مانند متنوع سازی مسیرهای انتقال انرژی و منابع انرژی را در پیش گرفته‌اند. یکی از جاه‌طلبی‌های چین در این زمینه تسلط بر مسیرها و منابع انرژی منطقه و تلاش برای در تنگنا قرار دادن هند است. هند نیز در جهت جبران این کاستی، اقدام به مشارکت در طرح توسعه بندر چابهار و همچنین تأمین انرژی از دیگر مسیرها مانند مسیر شمال به جنوب کرده است. حوزه سوم رقابت بین چین و هند، عرصه نظامی و امنیتی است. هند تلاش دارد اشکال متفاوتی از همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه را جهت مقابله با این تهدیدات شکل دهد. بزرگ‌ترین مشکل امنیتی هند در جنوب آسیا، پاکستان است و نوعی الگوی تضاد مستقیم بین هند و پاکستان شکل گرفته است. چین در جهت کنترل هر چه بیشتر هند، اقدام به حمایت نظامی و امنیتی از پاکستان کرده است. این کشور نیز تهدیدات امنیتی زیادی از جانب جنوب آسیا -بالاخص از اسلام‌گرایی در افغانستان و پاکستان- احساس می‌کند و کنترل هند در سراسر منطقه جنوب آسیا و اقیانوس هند و حتی در برخی موضوعات جهانی در اولویت پکن قرار دارد. در نهایت اینکه، چین و هند هر کدام قصد دارند تا نظم منطقه‌ای در جنوب آسیا را بر اساس منافع خود شکل دهند. مهم‌ترین

ابزارهای پکن و دهلی نو در این زمینه ایفای نقش مهم در تأسیس نهادهای چندجانبه با حضور کشورهای جنوب آسیا است. یکی از اهداف پکن از ساخت نظم چین-محور در این منطقه به حداقل رساندن نقش قدرت‌های بزرگ و علی‌الخصوص ایالات متحده از ایجاد نفوذ در منطقه و همچنین کنترل هند است. هند نیز سعی دارد در قالب همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای (سارک) نظم مورد نظر خود را در این منطقه شکل دهد. آنچه مشخص است این رقابت تا آینده‌ای نزدیک نیز ادامه داشته باشد، اما تبدیل به منازعه و یا جنگ نخواهد شد.

## منابع

- امیدی، علی (۱۳۸۸)، منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آ.سه. آن، سارک و اکو، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- بدیعی ازندهای، مرجان و همکاران (۱۴۰۰)، «تأثیر رقابت ژئوپلیتیک هند و چین بر چگونگی امنیت منطقه جنوب آسیا با تأکید بر مداخله‌گری آمریکا»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۵۴، شماره ۱، صص. ۳۸۹-۳۷۵.
- پیردشتی، حسن و کمری، مریم (۱۳۹۵)، «مناقشات مرزهای دریایی در سواحل شمالی اقیانوس هند»، همایش فراوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرق کشور، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران و وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران.
- تقی زاده انصاری، محمد و باقرنیا، نیلوفر (۱۴۰۰)، «ماهیت رقابت هند و چین در حوزه جنوب آسیا»، دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال سیزدهم، شماره ۴۱، صص. ۲۶-۹.
- دهشیری، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۶)، «تأثیر امنیت منطقه‌ای بر رفتارشناختی مجموعه‌های امنیتی مناطق»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ششم، شماره اول، صص ۴۳-۷۸.
- سلطانی، علیرضا و همکاران، (۱۳۹۰)، «جایگاه انرژی در سیاست خاورمیانه‌ای چین»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دوره چهارم، شماره ۱۶، صص. ۲۲۹-۱۹۷.
- شفیعی، نوزد و فرجی نصیری، شهریار (۱۳۹۳)، «ترتیبات سیاسی-امنیتی در جنوب آسیا و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران»، فصلنامه سیاست پژوهی، سال اول، شماره ۱، صص. ۳۱-۹.
- شفیعی، نوزد و همکاران (۱۳۹۱)، «رویکرد هند در قبال افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با نگاه به ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره دوم، صص. ۱۵۲-۱۲۵.
- کریمی، مهدی و همکاران (۱۴۰۱)، «عدم شکل‌گیری همگرایی منطقه‌ای در جنوب شرق، جنوب و جنوب غرب آسیا»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال دهم، شماره ۲، صص. ۲۹۴-۲۶۷.

- کولایی، الهه و همکاران (۱۳۹۵)، «کنشگری امنیتی روسیه در قفقاز جنوبی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۵، صص. ۹۷-۱۳۶.
- موسوی شفا، مسعود و همکاران (۱۳۹۳) «تبیین مسیرهای انتقال انرژی بر اساس نظریه‌های روابط بین‌الملل: مطالعه موردی خط لوله تاپی و صلح»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۵، صص. ۱۶۱-۱۸۹.
- یان، سان و هانا، هاجلند (۱۳۹۶)، «چین و مدیریت بحران در جنوب آسیا»، فصلنامه مدیریت بحران، سال نهم، شماره ۳۴، صص. ۱۴۳-۱۷۰.
- Attanayake, Chulanee and Atmakuri, Archana (2020), "Sri Lanka: Navigating Sino-Indian Rivalry", in: **Navigating India-China Rivalry: Perspectives from South Asia**. Edited by: C Raja Mohan and Chan Jia Hao. Institute of South Asian Studies National University of Singapore, 49-56.
- Hooda, D. S. (2019), India's national security strategy. Accessed on 04.12.2022. Available online at: [https://manifesto.inc.in/pdf/national\\_security\\_strategy\\_gen\\_hooda.pdf](https://manifesto.inc.in/pdf/national_security_strategy_gen_hooda.pdf)
- İlhan, Bekir (2020), "China's Evolving Military Doctrine after the Cold War", **SETA Analysis**, (59), 11-12.
- Jacob, Jabin. T. (2007), "India, China and Asian Security", **Institute of Peace and Conflict Studies**.
- Jaschock, Maria & Chan, H. M. Vicky (2009), "Education, gender and Islam in China: The place of religious education in challenging and sustaining 'undisputed traditions' among Chinese Muslim women", **International Journal of Educational Development**, 29 (5), 487-494.
- Kaura, Vinay (2018), "China's South Asia Policy under Xi Jinping: India's Strategic Concerns." **Central European Journal of International & Security Studies**, 12(2), 1-22.
- Kulkarni, Sanket. S & Kristle Nathan, Hippu. S. (2016), "The elephant and the tiger: Energy security, geopolitics, and national strategy in China and India's cross border gas pipelines", At: <https://doi.org/10.1016/j.erss.2015.09.010>
- Kumar, Anand (2016), "India-Maldives Relations: Is the Rough Patch Over?", **Indian Foreign Affairs Journal**, 11(2), 153-167.
- LE THI, HANG, NGA and Nguyen Le, Thy Thuong (2021), "India-China Competition in South Asia under Prime Minister Narendra Modi's Administration." **The Journal of Indian and Asian Studies**, 2(1), 1-26.
- Malik, J. Mohan (2001), "South Asia in China's foreign relations", **Pacifica Review: Peace, security & global change**, 13(1), 73-90.
- Manoharan, Nagaiah (2011), "Brothers, Not Friends: India-Sri Lanka Relations", **South Asian Survey**, 18(2), 225-236.
- Pal, Deep (2021), "China's Influence in South Asia: Vulnerabilities and Resilience in Four Countries", **Carnegie Endowment for International Peace**.

- Pardesi, Manjeet S. (2022), "India's China strategy under Modi continuity in the management of an asymmetric rivalry." **International Politics**, 59(1), 44-66.
- Paul, T. V. (2019), "When balance of power meets globalization: China, India and the small states of South Asia", **Politics**, 39(1), 50-63.
- Pramod, Jaiswal (2020), "India-China Rivalry in Nepal", in: **Navigating India-China Rivalry: Perspectives from South Asia**. Edited by: C Raja Mohan and Chan Jia Hao. Institute of South Asian Studies National University of Singapore.
- Singh, Prashant Kumar (2016), "Changing Contexts of Chinese Military Strategy and Doctrine", **Institute for Defense Studies and Analyses**.
- Singh, Sandeep, and Bawa Singh (2019), "Geopolitics of ports: Factoring Iran in India's counterbalancing strategy for "Sino-Pak Axis"." **Journal of Eurasian Studies**, 10(2), 169-182.
- Sinha, Riya & Sareen, Niara (2020), "India's Limited Trade Connectivity with South Asia", **Brookings Institution India Center**.
- Statista (2020), "Primary energy consumption of selected countries", At: <https://www.statista.com/statistics/263455/primary-energy-consumption-of-selected-countries/>
- Summar, Iqbal Babar & Muhammad Nadeem, Mirza (2021), "Indian Strategic Doctrinal Transformation: Trends and Trajectory", **Journal of Security and Strategic Analyses, Strategic Vision Institute Islamabad** ,6(2), pp.79-100.
- Tarapore, Arzan (2020), "The Army in Indian Military Strategy: Rethink Doctrine or Risk Irrelevance", **Carnegie Endowment for International Peace**.
- USIP (2020), "China's Influence on Conflict Dynamics in South Asia", **The United States Institute of Peace**.
- Wagner, Christian (2014), "Security cooperation in South Asia: overview, reasons, prospects", **SWP Research Paper**.
- Wagner, Christian (2018), "India's bilateral security relationship in South Asia", **Strategic Analysis**, 42(1), 15-28.
- Workman, Daniel (2020), "Top 15 Crude Oil Suppliers to China", At: <http://www.worldstopexports.com/top-15-crude-oil-suppliers-to-china/>
- World Bank (2020) "GDP, South Asia", At: <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?locations=8S>
- World Bank (2020), "Population, South Asia", At: <https://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.TOTL?locations=8S>
- Yuan, Jingdong (2019), "China's Belt and Road Initiative in South Asia and the Indian Response", **Issues & Studies**, 55(02), 314-321.